

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 22, No. 1, Spring 2022, 355-380  
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.28653.1665

## **Critical Analysis of Bourdieu's Theory of Distinction with a Metatheory Approach**

**Tahere Lotfi Khachaki\***

**Ali Yousefi\*\***

### **Abstract**

The present study seeks to introduce and critique Pierre Bourdieu's theory of distinction with a metatheory approach. The distinctive metatheory analysis is based on the four factors of the theoretical and social contexts of the theorist, basic assumptions, content concepts, logical relations of propositions and explanatory processes of theory, and finally a critique of theory based on the views of one of Bourdieu's key critics. The results of the transnational analysis show that Bourdieu's social world is full of unpleasant distribution of position and resources, and this has highlighted the theoretical concern of differentiation. The conflicting influences of Marxist, existentialism, structuralism, and activism have also created an interest in fusion theory in Bourdieu. In combining agency and structure, he considers the agency of individuals in a way that affects both the mind and the structure. He sees society as an interconnected set of fields (structures), capitals, and habitus. In his view, differences in habituation, capital, and position in the field lead to differences and distinctions in lifestyles. However, insufficient attention to the moral aspects of action, ignoring the role of emotions in the process of reasoning and prioritizing

\* PhD Student in Economic Sociology and Development, Ferdowsi University Mashhad, Mashhad, Iran, taherelotfi352@gmail.com

\*\* Associate Professor in Social Sciences, Ferdowsi University Mashhad, Mashhad, Iran, (Corresponding Author) yousofi@um.ac.ir

Date received: 08/10/2021, Date of acceptance: 14/02/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

interests as the basis for social competition have been considered as the most important criticisms of Bourdieu's theory of distinction.

**Keywords:** Metatheory, Distinction, Habitus, Field, Lifestyle.

## تحلیل انتقادی نظریه تمایز بوردیو با رویکردی فرانظری

طاهره لطفی خاچکی\*

علی یوسفی\*\*

### چکیده

نوشتار حاضر در پی معرفی و نقد نظریه تمایز پیر بوردیو با یک رویکرد فرانظری است. تحلیل فرانظری تمایز با تأکید بر چهار محور زمینه‌های فکری و اجتماعی نظریه پرداز، مفروضات اساسی، مفاهیم محتوایی، روابط منطقی گزاره‌ها و فرایندهای تبیینی نظریه، و نقد نظریه صورت گرفته است. نتایج تحلیل فرانظری نشان داد جهان اجتماعی بوردیو مملو از توزیع ناخوشایند موقعیت و منابع است و این امر دغدغه نظری تمایز را در نزد او برجسته ساخته است. تأثیرات متضاد تفکرات وجود گرایی و ساختارگرایی و کنشگری مارکسیستی، نیز علاقه به نظریه‌ای تلفیقی را در بوردیو به وجود آورده است. وی در این تلفیق، بر آن است تا عاملیت افراد را به گونه‌ای در نظر گیرد که هم بر ذهن و هم بر ساختار اثر بگذارد. او جامعه را مجموعه به هم پیوسته‌ای از میدان‌ها، سرمایه‌ها و عادت‌واره‌ها می‌داند. حسب نظر او تفاوت در عادت‌واره، سرمایه و موقعیت در میدان به تفاوت و تمایز سبک‌های زندگی می‌انجامد. با این حال، توجه ناکافی به جنبه‌های اخلاقی کنش، نادیده گرفتن نقش احساسات در روند استدلال و اولویت دادن به منافع به عنوان مبنایی برای رقابت اجتماعی از مهمترین نقدهای وارده بر نظریه تمایز بوردیو است.

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران،

taherelotfi352@gmail.com

\*\* دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)،

yousofi@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵



## کلیدواژه‌ها: فرانظریه، تمایز، عادتواره، میدان، سبک زندگی

### ۱. مقدمه

نظریات جامعه‌شناسی طی دهه‌های گذشته دستخوش تحولات و فراز و فرودهای بسیاری بوده است. تحولاتی که یک به یک سمت و سوی نظریات جامعه‌شناسی را متحول کرده‌اند. یکی از جدیدترین تحولات در نظریات جامعه‌شناسی، افزایش علاقه به فرانظریه پردازی در جامعه‌شناختی است (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰).

محققان معانی متفاوتی از فرانظریه ارائه کرده‌اند که از تجزیه و تحلیل نظریه (چلبی، ۱۳۹۳)، ایجاد یک نظریه برای نظریه‌ها (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰)، تجزیه و تحلیل ساختارهای نظریه (والاس) (Wallace 1992)، ادغام چندگانه نظریه‌ها (ادواردز) (Edwards 2013)، تجزیه و تحلیل فرضیات و مفروضات ضمنی نظریه (پترسون و همکاران) (Paterson et al 2011)، متفاوت است. گرچه در فرهنگ واژگان، فرا به "پس از آن پدید آمدن" و "به دنبال" فعالیت‌های پیشین تعریف شده، در بسیاری از حلقه‌های جامعه‌شناسی، فرانظریه پیش شرط بنیادی ساختن نظریه کارآمد به حساب می‌آید. در جامعه‌شناسی طرفداران فرانظریه معمولاً تأکید دارند که تا وقتی به پرسش‌های بنیادی‌تر معرفت‌شناختی و متافیزیکی پاسخ ندهیم، نمی‌توانیم نظریه پردازی کنیم (ترنر، ۱۳۹۴: ۳۵). در این شرایط که ابهامات زیادی در زمینه‌ی نظریه پردازی وجود دارد، فرانظریه‌پردازی اقدامی سودمند است، زیرا قادر است هم به خود نظریه و هم به نقد آن کمک نماید. فرانظریه پردازی می‌تواند همچون یک رویکرد یا یک روش مورد استفاده قرار گیرد.

در نوشتار حاضر نیز، فرانظریه به عنوان ابزاری برای تحلیل نظریه به کار رفته است و به فهم شیوه نظریه پردازی، چگونگی شکل‌گیری نظریه و روشن‌تر شدن اجزای نظریه کمک می‌نماید. بدین منظور نوشتار حاضر به تحلیل فرانظری نظریه تمایز بوردیو می‌پردازد. این انتخاب بدین دلیل صورت گرفته است که نظریات بوردیو از پرارجاع‌ترین نظریات جامعه‌شناسی است و در میان آراء بوردیو نیز نظریه تمایز (Distinction Theory)، یکی از پراستادترین نظریات اوست. این نظریه در کتاب پرآوازه بوردیو با عنوان "تمایز، نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی" انتشار یافته است.<sup>۱</sup>

نوشتار حاضر در پی آن است که اولاً تأثیر زمینه‌های اجتماعی و فکری بوردیو را بر شکل‌گیری نظریه تمایز و ثانیاً مبنای نظریه سازی (Theory Building) تمایز را با تحلیل مفروضات اساسی، سازه‌ها و مفاهیم محتوایی، روابط منطقی میان قضایا و فرایندهای تبیینی نظریه، روشن نماید و در نهایت مهمترین نقدهای وارده را بر نظریه تمایز را مشخص نماید.

## ۲. چهارچوب فرانظری

ریتزر معتقد است فرانظریه پردازی تلاشی برای فهم عمیق تر نظریه است. این نوع از فرانظریه پردازی شامل زیر نمونه الف) درونی - فکری (قضایای فکری یا شناختی درون حوزه جامعه شناسی) / ب) درونی - اجتماعی (تأکید بر بعد اجتماعی مانند جنبه‌های مشترک نظریه‌های جامعه شناسی) / ج) بیرونی - فکری (رویکردهای دانشگاهی در مورد عقاید، ابزارها، مفاهیم و نظریه‌ها) / و د) بیرونی - اجتماعی (پرداختن به جامعه بزرگ‌تر (اوضاع ملی، محیط اجتماعی - فرهنگی و...) است. از دیدگاه وی اشکال دیگر فرانظریه‌پردازی، شامل استفاده از فرانظریه به عنوان پیش درآمدی برای توسعه نظریه که به بررسی نظریه‌های موجود به منظور خلق نظریه‌های جامعه شناختی جدیدتر می‌پردازد و نیز دیدگاه‌هایی که نظریه جامعه شناسی را زیر چتر واحدی قرار می‌دهند، است (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰: ۷۴۵).

والاس (Wallace 1992) اشکال فرانظریه پردازی را شامل: تجزیه نظریه به مؤلفه‌های آن/ دسته بندی نظریه‌ها به مقوله‌های نشان دهنده فرضیه‌ها، متغیرهای مشاهده پذیر و روابط علی میان آنها در نظر می‌گیرد. واینشتاین (Weinstein 1992) فرایند ساخت و اشکال ساخته شده جامعه شناسی / مرور بازاندیشانه نظریه‌ها با هدف کشف کثرت، پیوستگی و گسستگی نظریه جامعه شناسی را از اشکال فرانظریه پردازی می‌داند. ادواردز (Edwards 2013) اشکال فرانظریه پردازی را شناسایی ارتباطات و تفاوت‌های بین نظریه‌ها/ شناسایی شکاف در نظریه فعلی / شناسایی فرضیات اصلی؛ ساخت مدل‌های یکپارچه تر/ ایجاد مفاهیم و روابط جدید/ شامل دیدگاه‌های جدید/ گسترش نظریه فعلی و هم‌چنین ساخت نظریه‌هایی با برد متوسط جدید (یک نظریه میانی واسطه که خود به طور مستقیم قابل آزمایش باشد)، می‌داند. از نظر ادواردز فرانظریه پردازی فرصتی است برای یافتن پیوندها و اختلافات بین سایر نظریه‌ها، برای ارزیابی تحولات نظری فعلی و هم‌چنین

راه‌های بالقوه برای تحقیقات آینده و برای بررسی و تحلیل انتقادی مفروضات اساسی و مفاهیم به کار رفته در نظریه (Edwards 2013: 740). پاترسون و همکاران (Paterson et al 2011) فرانظریه پردازی را شامل شناسایی پارادایم‌های شناختی عمده که در چهارچوب نظری و نظریه در حال ظهور ارائه شده است؛ / با زمینه‌های گسترده فرهنگی، تاریخی و سیاسی نظریه مرتبط است و / تفکیک مفاهیم و مفروضات مهم در زمینه نظریه‌های خاص می‌داند.

چلبی (۱۳۹۳)، یک بسته مفهومی جامع به عنوان یک برنامه پژوهشی در حوزه جامعه‌شناسی نظری معرفی می‌کند که از چهار بخش تشکیل می‌شود. بخش اول به لوازم نظریه سازی توجه دارد که شامل سئوالات بنیادی در حوزه جامعه‌شناسی، ابزارهای تحلیلی، مفاهیم محتوایی و داده‌ها (اعم از کمی و کیفی) است. بخش دوم دامنه مدعیات نظری است که شامل برد نظریه، حوزه نظریه، سطح تحلیل نظریه و عمق توضیح نظری می‌باشد. بخش سوم متوجه کارکرد و عملکرد نظریه است و بخش چهارم به ساخت و نقشه نظریه در حوزه علم جامعه توجه دارد. که خود شامل چهار لایه است: لایه اول پیش فرض‌های نظری است، لایه دوم قالب بندی مفاهیم، سئوالات و سازه‌های تحلیلی است. لایه سوم حاوی قضایا، قوانین و سازوکارهای توضیحی است و در نهایت لایه چهارم به پیش بینی رویدادهای اجتماعی به طور احتمالی می‌پردازد. لازم به ذکر است که بخش چهارم یعنی بخش ساخت و نقشه نظریه، ارتباط بیشتری با فرانظریه پردازی دارد. ترنر (۱۳۷۲) به عنوان یک منتقد معتقد است اغلب نظریه‌های جامعه‌شناسی بیشتر یک برداشت لفظی را از جامعه به دست می‌دهند، تا یک دسته از قضایای دارای استحکام و انسجام منطقی. ترنر (Turner 1990) در مقاله "استفاده و سوء استفاده از فرانظریه" به این نکته اشاره می‌کند که غیر ممکن است فعالیت‌های بسیاری از فرانظریه پردازان فعلی را علمی محسوب کنیم. آنها ما را وارد بحث‌های فلسفی غیر قابل حل در مورد هستی‌شناسی‌ها، متافیزیک، معرفت‌شناسی و شاید زیبایی‌شناسی می‌کنند و با پذیرش ایدئولوژی و تعصبات ضمنی این یا آن نظریه، چیزی جز مجموعه دیگری از تعصبات ایدئولوژیک تولید نمی‌کنند و نظریه را حتی بیشتر از تحقیق و آزمایش‌های تجربی می‌پذیرند.

با توجه به اشکال مختلف فرا نظریه پردازی، از آنجایی که تأکید نوشتار حاضر بر چگونگی ساخت نظریه است، به وجوهی در فرآنظریه پردازی از دیدگاه صاحب نظران مذکور توجه شده است که به امر ساخت نظریه به صورت روش‌تر پرداخته باشند. بدین منظور ایده "تجزیه نظریه به مؤلفه های آن و روابط علی میان قضایای نظری" از والاس (Wallace 1992)، "بررسی و تحلیل انتقادی" از ادواردز (Edwards 2013)، "تفکیک مفاهیم و مفروضات اساسی نظریه" از پترسون و همکاران (Paterson et al 2011) و ادواردز (Edwards 2013)، و توجه به "پیش فرض های هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی و همچنین فرایندهای توضیحی نظریه" از چلبی (۱۳۹۳) اخذ شده است. ضمن اینکه توجه به موارد تأثیر گذار فکری و اجتماعی بر نظریه پرداز که لازمه فهم چگونگی شکل گیری نظریه در ذهن او و جامعه اوست، موجب شد به شکل گیری زمینه های فکری و اجتماعی نظریه پرداز از دیدگاه ریتزر (۱۳۹۰) نیز، پرداخته شود. در مقام نقد نیز از نظرات ترنر (Turner 1990) در خصوص "پرهیز از افتادن به دام بحث های فلسفی و تعصبات ایدئولوژیک" الهام گرفته شده است. بر این اساس می توان گفت فرآنظریه، ابزاری مفهومی برای تحلیل انتقادی ساخت نظریه با توجه به زمینه های فکری و اجتماعی مؤثر بر نظریه پرداز است.

### ۳. نتایج تحلیل فرآنظری

نتایج تحلیل فرآنظری تمایز مشتمل بر تحلیل زمینه های فکری و اجتماعی نظریه پرداز؛ تحلیل مفروضات اساسی، مفاهیم محتوایی، روابط منطقی میان قضایا، فرایندهای تبیینی نظریه و در نهایت مروری انتقادی بر کلیات نظریه تمایز مطابق شرح زیر ارائه می گردد.

#### ۱.۳ زمینه های اجتماعی

بورديو در سال ۱۹۳۰ در یک خانواده نسبتاً فقیر روستایی متولد شد. وی برای ادامه تحصیل نخست به شهر پو و پس از آن به پاریس رفت و در رشته فلسفه مشغول به تحصیل شد. در سال ۱۹۵۵ پس از فراغت از تحصیل و آشنایی با فرهنگ شهری فرانسه، برای گذراندن دوره سربازی به الجزایر اعزام شد، در آن زمان مردم الجزایر برای رهایی از استعمار فرانسه در حال مبارزه بودند. بورديو در طول اقامت ۵ ساله خود در الجزایر

توانست اولین آثار خود را درباره جامعه و اقشار اجتماعی آن کشور به ویژه روستاییان و کشاورزان منتشر نماید. او در سال ۱۹۶۰ به فرانسه بازگشت و پس از چند سال تدریس در کالج علوم اجتماعی و همکاری با ریمون آرون به ریاست مرکز جامعه‌شناسی اروپا برگزیده شد (گرنفل، ۱۳۸۸: ۹).

بورديو در این خصوص می‌گوید: چرخشی که برای حرکت به سوی جامعه‌شناسی لازم بود که از خود نشان بدهم، با مسیری که از نظر زندگی اجتماعی پیمودم، بی‌ارتباط نبود. من سالهای عمده کودکی خود را در روستایی دور افتاده در جنوب غربی فرانسه گذراندم و تنها با چشم پوشی از بسیاری تجربه‌ها و آموخته‌های اولیه خویش و حتی از لهجه ام، توانستم از نردبان تحصیلی بالا بیایم.... در فرانسه، همین که آدم از شهرستانی دور افتاده بیاید، به ویژه وقتی این شهرستان در جنوب رودخانه لوار واقع شده باشد، او را صاحب ضعف‌هایی می‌دانند که به ضعف‌های آدم‌ها در مناطق مستعمره بی‌شبهت نیست... همین که دائماً تفاوت‌های شما را با دیگران به رختان بکشند، شما را به مشاهده چیزهایی و می‌دارد که دیگران ممکن است آنها را نبینند و یا حس نکنند... (دورتیه، ۱۳۸۱: ۲۳۴).

به دلیل رنگ و بوی فرانسوی افکار بورديو (بورديو، ۱۳۹۵)، رابطه ایالات متحده با جامعه‌شناسی بورديو بسیار متفاوت از چیزی است که در خاک فرانسه یافت می‌شود، زیرا فرانسه جایی است که بورديو در آنجا کاملاً در مرکز یک رشته دانشگاهی قرار دارد و توزیع ناخوشایند شغل و منابع را تجربه می‌کند. اما به هر حال بورديو در ایالات متحده نیز با ایجاد شرایطی برای ایجاد یک دیدگاه قوی جامعه‌شناختی، با استفاده از روش‌های نوین، به همان اندازه مولد است (Lamont 2012: 235-236). بورديو در سال ۲۰۰۲ دیده از جهان فروبست.

### ۲.۳ زمینه‌های فکری

بورديو در دوران حضور در الجزایر به مطالعه‌ی آثار وبر پرداخت. آثار وبر بر افکار بورديو جوان اثرات بسیاری داشت. وی تحت تأثیر جامعه‌شناسان کلاسیکی مانند کارل مارکس، ماکس وبر و امیل دورکیم و فیلسوفان اجتماعی همچون فردریش نیچه، نوربرت الیاس، تئودور دبلیو آدورنو و آکسل هتته بوده است (Bourdieu et al 2011). در



اوایل دهه ۱۹۵۰ که بوردیو برای تحصیل به پاریس رفت، فلسفه، سرآمد رشته‌ها بود. در این جا وی به سرعت از فلسفه «سوژه» که نمونه‌ی آن در آگزیستانسیالیسم سارتری دیده می‌شد روی برگرداند و به سمت «فلسفه‌ی مفهوم» که به کارهای شناخت‌شناسانی نظیر گاستون باشلار، ژرژ کانگیهم، و ژول ویه مین، و نیز به پدیدارشناسی ادمونند هوسرل و موریس مرلوپونتی مرتبط می‌شد، روی آورد. با این همه بوردیو زمان کوتاهی پس از فارغ‌التحصیلی خود، تصمیم گرفت به علوم اجتماعی روی بیاورد. در واقع جدایی بوردیو از فلسفه به واسطه‌ی اضمحلال آگزیستانسیالیسم و همبسته با آن، تجدید حیات علوم اجتماعی در فرانسه پس از نیم قرن افول و فراموشی ممکن گردید (واکووانت، ۱۳۷۹: ۳۲۵ و ۳۲۶). بوردیو تعبیر کنشگران به عنوان آفرینندگان جهان اجتماعی را از وجودگرایی سارتر گرفت. بوردیو احساس می‌کرد که سارتر الزام‌های ساختاری وارد بر کنش‌گران را نادیده گرفته است. از این‌رو، به کارهای ساختارگرایی برجسته‌ی آن زمان، یعنی لوی اشتراوس روی آورد. به علاوه، تفکر بوردیو همچنین عمیقاً تحت نظریه‌ی مارکس و مارکسیست‌ها شکل گرفته بود. تأکید وی بر عمل و علاقه‌اش به تلفیق نظریه و عملکرد تحت همین تأثیر است (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰: ۵۸۹ و ۵۸۸). وی پس از مدتی ساختارگرایی افرادی مانند اشتراوس را مورد نقد قرار داد و به نظریه‌ی کنش پرداخت که بیش‌تر اندیشمندان زمان او به سمت ساختارگرایی گرایش داشتند (Bourdieu 1968). راه‌حل بوردیو ساختارگرایی سازه‌ای بود که در آن هم عاملیت و هم ساختار وزن مساوی دارند. بوردیو ساختارهای واقعی مستقل از آگاهی و اراده انسان‌ها را به گونه‌ای می‌بیند که رفتار انسانی را محدود و در عین حال تسهیل می‌نماید. همچنین بر روی عاملیت و بعد ذهنی نیز تأکید می‌نماید. در چنین رابطه‌ی دیالکتیکی ممکن است چیزهای جدیدی نیز خلق شود که پیدایش آنها هم بر ذهن و هم بر ساختار اثر بگذارد (گرنفل، ۱۳۸۸). یکی از ثابت‌ترین اهدافی که در پس کارهای بوردیو نهفته است، تبدیل علوم اجتماعی به یک عامل توازن نمادین کارآمد و واقعی، و دگرگون ساختن آن به گونه‌ای که نیروهای اجتماعی را احیاء کرده تا در راه عدالت اجتماعی و اخلاق همگانی صرف شود (واکووانت، ۱۳۷۹: ۳۲۸).

کار جامعه‌شناسانه بوردیو سعی در نشان دادن چگونگی عینیت یافتن پدیده‌های فرهنگی بود و سعی داشت مفاهیم فخرآمیزی همچون هنر و فرهنگ را از حیث شکل‌گیری آنها به زیر سؤال ببرد. مسائلی که حتی از تحلیل‌های رادیکال افرادی همچون فوکو و

آلتوسر به سلامت عبور کرده بود. این نگرش قابل تحسین به عنوان یک سنت علمی در علوم انسانی باقی ماند و نشان داد که علوم انسانی تا چه حد نیازمند اصول و روش مخصوص به خود برای فهم است که با روش‌هایی که در علوم طبیعی از آن‌ها استفاده می‌شود، تفاوت دارد (Boschetti 2006).

ماهیت افکار بوردیوالتقاطی از افکار سایر متفکران را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد سنت‌های فکری زیر (و متفکران مرتبط با این سنت‌ها) برای بوردیو از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند: در فلسفه، متافیزیک و ایدئالیسم آلمانی، پدیدارشناسی (هوسرل، هایدگر و مرلو پونتی)، اگزیستانسیالیسم (پاسکال، هایدگر و سارتر)، فلسفه مارکسیستی (آلتوسر) و فلسفه علم، در انسان‌شناسی، انسان‌شناسی ساختاری و انسان‌شناسی نمادین؛ و در جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی ماتریالیستی (مارکس)، جامعه‌شناسی کارکردگرایانه (دورکیم)، جامعه‌شناسی تفسیری (وبر)، جامعه‌شناسی خرد (مید، گارفینکل و گافمن) و جامعه‌شناسی برساختگرایانه (برگر و لاکمن) (Susen & Turner 2011).

### ۳.۳ مفروضات اساسی

#### ۱.۳.۳ مفروضات هستی‌شناختی

بوردیو در بعد هستی‌شناسی جامعه را فضایی اجتماعی مرکب از مجموعه به هم پیوسته‌ای از میدان‌ها (ساختارها) و افراد دارای عادتواره‌های مرتبط با میدان می‌داند که به عنوان کنش‌گر در قالب قواعد حاکم بر میدان‌های اجتماعی و طبق عادتواره‌های خود در جهت دستیابی به انواع سرمایه با هم در تعامل و رقابت قرار دارند. کنشگران با تعاملات و کنش‌های خود در تثبیت یا تغییر فضای اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند. بنابراین فرد موجودی مختار و در عین حال مجبور است. فرد در فضای اجتماعی و در قالب میدان اجتماعی به کسب عادتواره نائل می‌آید و تحت تأثیر شرایط ساختاری و ویژگی‌های فردی اعم از روانی یا ذهنی - شخصیتی عمل می‌کند، عمل او برآیند ویژگی‌های محیطی و فردی اوست. از دیدگاه بوردیو جامعه فضایی اجتماعی مرکب از مجموعه‌ای به هم پیوسته از میدان‌ها و افرادی است که در تار و پود این میدان‌ها واقع شده‌اند و به صورت فردی و جمعی برای دستیابی به سرمایه‌های موجود در میدان با یکدیگر در تعامل و رقابت هستند و از طریق همین تعامل است که می‌توانند این فضا را تغییر دهند (گرنفل، ۱۳۸۸: ۱۶ و ۱۵).

### ۲.۳.۳ مفروضات معرفت‌شناختی

جهان اجتماعی در تحلیل های بوردیو، مملو از ساختارهای عینی بیرون از اراده فرد و مستقل از آن است، اما عین و ذهن در تعامل پویا با یکدیگرند (حکمت، ۱۳۹۵). بوردیو جامعه‌شناسی را دانش نظری و عملی می‌داند که دارای جنبه‌های اثباتی و تفسیری است. او وظیفه جامعه‌شناسی را طرح و تحلیل مسائل و ارائه راه حل در جهت کمک به حل مشکلات اجتماعی به ویژه جلوگیری از اعمال سلطه می‌داند. از دیدگاه بوردیو عادتواره هم تولید کننده و هم تولید شده جهان اجتماعی است. این ویژگی بوردیو، یعنی گریز از جبرگرایی، او را از ساختارگرایان متمایز می‌سازد. بوردیو معتقد است انسان‌ها برای کنش دارای منطق خاصی هستند و همین منطق کنش انسانی است که انسان‌ها را به جهان اجتماعی پیرامون خود مرتبط می‌سازد. افراد از طریق عادتواره‌های خود به درک جهان اجتماعی نائل می‌شوند و آن را می‌فهمند و ارزش گذاری می‌کنند. ساختمان ذهنی حاصل اشغال یک جایگاه ویژه در جهان اجتماعی است و می‌توان گفت اگر این جایگاه تغییر کند، ساختمان ذهنی نیز متحول خواهد شد. بنابراین افراد در درون جهان اجتماعی ساختار ذهنی متفاوتی دارند اما افرادی که از موقعیت‌ها و جایگاه‌های مشابهی برخوردارند از نظر افکار و اندیشه نیز دارای مشابهت‌هایی با یکدیگر می‌باشند (گرنفل، ۱۳۸۸: ۱۷).

### ۳.۳.۳ مفروضات روش‌شناختی

بوردیو مناسب با خصلت تکوینی جامعه برای جامعه‌شناسی هم خصلتی پویا و باز اندیشانه قائل است. او برای تحقق این منظور سعی نمود با پرهیز از دوگانه‌انگاری‌های ساخت‌گرایی در برابر فردگرایی یا عینی در برابر ذهنی یا کمی در برابر کیفی با بینش و روشی تلفیقی به مطالعه پدیده‌های اجتماعی بپردازد. تا بتواند ابعاد و جنبه‌های متفاوت پدیده را توصیف نماید و در تبیین آن نیز عوامل ذهنی و عینی را مورد توجه قرار دهد. چنین دانشی می‌تواند از اعتبار علمی و ارزش عملی قابل توجهی برخوردار باشد و به پرسش‌های علمی پاسخ دهد و به حل مسائل اجتماعی نیز کمک نماید (گرنفل، ۱۳۸۸: ۱۸). در نزد بوردیو، جامعه‌شناسی عمل و تأمل‌گرایی جامعه‌شناختی در هم تنیده‌اند و بوردیو در این خصوص از عینیت بخشی مشارکتی سخن می‌گوید. عینیت بخشی به معنای شناخت عینی و ارتباط ذهنی با موضوع مورد مطالعه اش و مشارکتی به معنای مشارکت در

موضوع تحلیل است. وی از انواع روش‌های موجود در جریان فکری رایج در فرانسه، از جمله کل‌نگری روش‌شناسانه دورکیم و تفهم‌گرایی وبر در ارائه روش خود بهره گرفته است (حکمت، ۱۳۹۵). بوردیو به تبع بینش تلفیقی خود از روش‌های چندگانه کمی و کیفی، علت کاوانه و منفی کاوانه استفاده کرده است. بنابراین می‌توان در مورد او از پلورالیسم روشی سخن گفت. در واقع، واحد مشاهده او هم فرد است و هم جمع و سطح تحلیل او هم خرد است و هم کلان (گرنفل، ۱۳۸۸: ۱۶). در واقع انتقاد بوردیو از سنت‌های دوگانه‌ی ذهن‌گرایی و عینیت‌گرایی، منجر به ارائه یک روش جایگزین از جامعه و افراد توسط وی شد که با پلورالیسم روشی به درک بهتر پدیده‌های اجتماعی منجر می‌شد. بوردیو نه معتقد است بازیگران اجتماعی دارای آگاهی کاذب هستند و نه معتقد است عمل فردی صرفاً بازتاب ساختارها است. بر این اساس مفهوم عادت‌واره به‌عنوان یک مکانیسم واسطه‌گر درونی کم و بیش خودکار- که با جهان عینی مکانیزم‌های استراتژیک تحمیل‌شده توسط میدان مرتبط هستند- عمل را ایجاد می‌نماید. بوردیو عادت‌واره را در فضایی بین ساختارگرایی و اراده‌گرایی قرار می‌دهد (Ozbilgin et al 2005). میدان نیز علاوه بر آنکه ضوابط خود برای بهره‌مندی از سرمایه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین را بر افراد تحمیل می‌کند، صحنه‌ی کشاکشی است که کنشگران و نهادها از طریق آن در پی حفظ یا براندازی نظام موجود توزیع سرمایه هستند (واکووانت، ۱۳۷۹). در تبیین کلی روش بوردیو را می‌توان حول دو محور اساسی شامل استفاده از روش کیفی با بهره‌گرفتن از مصاحبه‌های عمیق و استفاده از روش کمی با بهره‌گرفتن از آمارهای توصیفی، بیان کرد (حکمت، ۱۳۹۵).

### ۴.۳ مفاهیم محتوایی

عادت‌واره، میدان و سرمایه سه مفهوم اساسی در نظریات بوردیو هستند که برای درک جهان اجتماعی و تمایز افراد در این جهان، لازم و ملزوم یکدیگرند.

#### ۱.۴.۳ عادت‌واره یا ساختمان ذهنی (Habitus)

عادت‌واره مجموعه‌ای از قابلیت‌ها است که فرد در طول دوران زندگی خود آنها را کسب و درونی کرده است. به عبارت دیگر وقتی ساختارها (عینیت) در ذهن جای بگیرند و ما از

طریق ذهنی کردن آنها چارچوب ادراکی خود را بسازیم در واقع «ساختمان ذهنی» را شکل داده‌ایم. عادتواره‌ها مبنای تمایز هر فرد از دیگری قرار می‌گیرند. در واقع عادتواره‌ها چهارچوب‌های ادراکی و شناختی هستند که کنشگر از طریق آن جهان اجتماعی خود را می‌فهمد. یعنی جهان عینی در ذهن جای می‌گیرد. عادتواره از جایگاه فرد در جامعه به شدت متأثر است و اموری مانند سن، جنس و طبقه آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنچه کنش‌ها را می‌سازد، رابطه عادتواره و میدان است (بوردیو، ۱۳۸۰). عادتواره به عنوان میانجی و واسطه‌ای بین تأثیرات گذشته و انگیزه‌ها و محرک‌های کنونی، در آن واحد هم ساخت‌مند است، زیرا به وسیله نیروهای اجتماعی الگودار تولید می‌گردد و هم ساخت‌دهنده است، زیرا به فعالیت‌های متنوع و گوناگون فرد در حوزه‌های منفک و مختلف زندگی شکل داده و بدان انسجام می‌بخشد (واکووانت، ۱۳۷۹: ۳۳۵). ذوق و سلیقه، آداب و منش و ادعا، از اجزای مهم عادتواره در نظریه تمایز هستند. ذائقه و سلیقه تبدیل به جلوه‌نمادین موقعیت طبقاتی می‌شود و در سبک‌های زندگی متفاوت ظهور می‌یابند (بوردیو، ۱۳۹۵).

### ۲.۴.۳ میدان (Field)

مفهوم میدان که برای اولین بار در مقاله میدان روشنفکری و پروژه خلاق (۱۹۶۳) پیر بوردیو، مطرح شد؛ شاخصی آشکار از ستایش ساختارگرایی است (Boschetti 2006). در واقع چارچوب تحلیل بوردیو در سطح کلان، مفهوم میدان است که سیستم یا ساختاری را که پدیده‌های سطح خرد و متوسط در آنها رخ می‌دهد، نشان می‌دهد (Ozibilgin et al 2005). میدان به روابط بین عاملین اجتماع در جهان عینی مرتبط است. میدان پهنه اجتماعی کمابیش محدودی است که تعداد زیادی از بازیگران یا کنشگران اجتماعی با عادتواره‌های خاص خود و سرمایه‌هایی که دارند، عمل می‌کنند و به رقابت، همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند تا بتوانند به حداکثر منافع و امتیازات ممکن دست پیدا کنند. مفهوم میدان را می‌توان در مفاهیمی مانند میدان هنری، میدان دانشگاهی، میدان قدرت و... پی گرفت (بوردیو، ۱۳۸۰). میدان‌های تولید و میدان‌های مصرف در نظریه تمایز بوردیو از این دست هستند.

### ۳.۴.۳ سرمایه (Capital)

سرمایه در نظر بوردیو به نوع خاصی همچون سرمایه‌ی اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه شامل انواع دیگری همچون سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین نیز می‌شود. سرمایه اقتصادی روابط کنشگران در زمینه اقتصادی را نشان می‌دهد. سرمایه فرهنگی شامل انواع گوناگون دانش است. سرمایه اجتماعی روابط با ارزش بین کنشگرها است و سرمایه نمادین نیز به شأن و حیثیت اشخاص مربوط می‌شود. این مفهوم با مفهوم میدان یک نوع در هم تنیدگی دارد، به این صورت که در یک نظام مبادله گسترده انواع گوناگون سرمایه‌ها در شبکه‌های پیچیده‌ای منتقل شده یا در درون و یا بین میدان‌های گوناگون گردش می‌کنند و افراد می‌توانند دارای هر کدام از این سرمایه‌ها و یا ترکیبی از آنها باشند. هر فردی با توجه به نوع سرمایه‌ای که دارد (اعم از اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) کنش متفاوتی خواهد داشت. سرمایه در واقع تعاملی بین کنش فردی و موقعیت ساختاری است (بوردیو، ۱۳۸۰). سرمایه اقتصادی با وجود اینکه حالت بنیادین دارد و بر سایر سرمایه‌ها مؤثر است، اما ممکن است صاحب سرمایه پس از کسب آن در معرض تأثیرات عمیق و بزرگی نیز قرار گیرد (گرنفل، ۱۳۸۸). سرمایه‌های فرهنگی نیز که از طریق درک سبک‌های زیبایی شناختی بیان می‌شوند، بخش مهمی از سرمایه‌ها در نظریه تمایز را تشکیل می‌دهند. ارتباط تنگاتنگی میان سرمایه‌های فرهنگی و سرمایه‌های تحصیلی (که برحسب مدارک تحصیلی سنجیده می‌شود)، وجود دارد (بوردیو، ۱۳۹۵). سرمایه اجتماعی وابسته به شبکه اجتماعی است که فرد در آن به اجبار زندگی می‌کند و به طبقه و تحصیلات افراد مرتبط است. به علاوه، بوردیو معتقد بود کل روابط انسانی به صورت نمادین شکل گرفته و در این میان همه‌ی مردم قدرت نمادین برابری ندارند. از نظر بوردیو، ساختارهای عینی مانند طبقه، نژاد و جنسیت را تنها در معانی سمبولیک آنها می‌توان ادراک کرد. بوردیو سعی می‌کرد تا سرمایه نمادین را به شکلی مطرح کند که هم توان ساختاری آن حفظ شود و هم قدرت افشاگری آن باقی بماند. رابطه روشنی بین سرمایه فرهنگی و نمادین وجود دارد. سرمایه نمادین در واقع زمینه‌ای نمادین را ایجاد می‌کند که در آن سرمایه فرهنگی هم قابلیت حضور پیدا می‌کند (گرنفل، ۱۳۸۸). سرمایه نمادین دارایی‌هایی است که مؤلفه‌های آن توسط سایر کنشگران اجتماعی ادراک می‌گردد (Ozbilgin et al 2005).

### ۵.۳ تمایز (Distinction) و فرایندهای تبیینی آن

مفهوم تمایز به معنی مجموعه تفاوت‌هایی است که در رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه به دلیل موقعیت‌های متفاوتشان از لحاظ سرمایه و قرار گرفتنشان در میدان‌های اجتماعی گوناگون، ظاهر می‌شود. عادتواره و همهی آنچه که سلیقه فرهنگی، ذائقه غذایی، انتخاب‌های هنری و ... نامیده می‌شود، رابطه مستقیم و قابل اثباتی با وضعیت و موقعیت اجتماعی افراد دارد. به گونه‌ای که می‌توان میان حوزه‌هایی چون غذا، لباس، سلاخی هنری و ... از یک سو و وضعیت اجتماعی افراد از سوی دیگر روابط منطقی ایجاد کرد (گرنفل، ۱۳۸۸). بر این اساس، میدان، سرمایه و عادتواره، سه مفهوم به هم پیوسته‌ای هستند که بر حسب اینکه چگونه اجزای آنها با هم ترکیب شوند به انواع سبک‌های زندگی (تمایز) می‌انجامند (Ollion 2012). مک‌آدام و همکاران (McAdam et al 2019)، کوئی (Quaye 2014) و (Ozbilgin et al 2005) نیز روابط متقابل میان این سه مفهوم را تأیید می‌کنند. پویایی‌های مربوط به اشکال مختلف سرمایه با منطق عادتواره و میدان اداره می‌شوند. آنها وجودی مستقل از عادتواره و میدان ندارند. با این حال، همزمان میدان و عادتواره، خود مدیون اقدامات افراد می‌باشند. زیرا از طریق اقداماتی که با ماتریس اشکال مختلف سرمایه صورت می‌پذیرند، تکثیر می‌شوند. این واقعیت که میزان و حجم سرمایه به عادتواره و میدان بستگی دارد به معنای این نیست که افراد عاری از عمل داوطلبانه هستند. افراد از استراتژی‌هایی برای تبدیل، تخصیص و توزیع میزان سرمایه خود استفاده می‌کنند که به نوبه خود مرزهای عاملیت خود را - یعنی حوزه عمل و فعالیت داوطلبانه آنها - در درون عادتواره و میدانی که فعالیت می‌کنند، مشخص می‌کنند. بنابراین افراد از یک طرف، میزان سرمایه خود را در قالب‌های مختلف تغییر داده، تخصیص می‌دهند و توزیع می‌کنند و از سوی دیگر، تولید و تغییر وضعیت عادتواره و میدان را انجام می‌دهند (Ozbilgin et al 2005).

میدان که امری ساختاری است، جهان واقعیت هاست. میدان بر ذهنیت افراد تأثیر می‌گذارد و آن را شکل می‌دهد و عادتواره‌ها شکل می‌گیرند. عادتواره‌ها که تحت تأثیر سرمایه‌های مختلف نیز قرار دارند، خود نیز بر سرمایه‌ها تأثیر می‌گذارند. سرمایه‌ها که در هر فردی با دیگری متفاوت است، ساختارها (میدان) را شکل می‌دهند. از آنجا که عادتواره به نوعی در اثر همین ساختارهای عینی که در ذهن جای گرفته‌اند،

ایجاد می‌شود، پس هم از میدان تأثیر می‌گیرد و هم بر میدان تأثیر می‌گذارد. در این میان تفاوت‌های افراد در رفتارها و سبک زندگی شان که در عادتواره‌های گوناگون وجود دارد و موقعیت‌های متفاوت افراد به لحاظ سرمایه و فرار گرفتن در میدان‌های گوناگون، تمایز را ایجاد می‌کند. لازم به ذکر است، ذوق و سلیقه، آداب و منش و ادعا، زیر مجموعه عادتواره، میدان‌های تولید و میدان‌های مصرف زیر مجموعه میدان و سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زیر مجموعه سرمایه هستند. میان تمامی اجزای درون عادتواره، میدان و سرمایه نیز برهم کنشی وجود دارد.

### ۱.۵.۳ برهم کنشی سرمایه و میدان

مفهوم تمایز یک مفهوم بسیار مرتبط با مفهوم سرمایه و میدان است، در واقع مجموعه تفاوت‌ها در رفتار و در سبک زندگی است که افراد مختلف در جامعه به خاطر تفاوتی که در سرمایه‌هایشان دارند و به علت تفاوت جایگاهشان در میدان‌های اجتماعی گوناگون در آن‌ها وجود دارد (بوردیو، ۱۳۹۵).

تمایز هم در طبقات اجتماعی مختلف و هم در میدان‌های اجتماعی مختلف وجود دارد که توسط طبقات بیرون کشیده شده و بازتولید می‌شود (Holt 1998).

### ۲.۵.۳ برهم کنشی اجزای درون میدان

میدان‌های مصرف بسیار متنوع و پراکنده هستند. آنها از یک فعالیت تفریحی تا نمودهای معمول در مکالمات، در خانه، محل کار، مدارس و... را در بر می‌گیرند (Holt 1998: 99). در بازار فرهنگی - و بی شک در هر جای دیگری - مطابقت عرضه و تقاضا نه معلول ساده تحمیل شدن تولید به مصرف است و نه معلول تلاش آگاهانه برای تأمین نیازهای مصرف‌کنندگان، بلکه نتیجه هم‌آهنگی عینی دو منطق نسبتاً مستقل است، یکی منطق میدان تولید و دیگری منطق میدان مصرف. به گونه‌ای که منطق مصرف کالاهای فرهنگی، توسط این دو میدان تعیین می‌شود (بوردیو، ۱۳۹۵).



### ۳.۵.۳ برهم کنشی اجزای درون سرمایه

در حالی که سرمایه های اقتصادی از طریق مصرف کالاها و کمبود مواد بیان می شوند، سرمایه های فرهنگی از طریق درک سبک های زیبایی شناختی و تعاملی بیان شده توسط نخبگان فرهنگی تحلیل می شوند. با وجود آنکه سرمایه های فرهنگی در تمام میدان ها وجود دارند، ولی بوردیو به طور خاص آنها را در میدان مصرف در نظر می گیرد. رابطه نزدیک و نیرومندی میان کردوکارهای فرهنگی و ذائقه ها و سرمایه تحصیلی (که برحسب مدارک تحصیلی سنجیده میشود) وجود دارد. در سطوح هم طراز سرمایه تحصیلی نیز، هر قدر از مشروع ترین حوزه های فرهنگی (مانند موسیقی، نقاشی) دورتر شویم، وزن و اهمیت خاستگاه اجتماعی در تبیین فعالیتها و ترجیحات فرهنگی بیشتر می شود (بوردیو، ۱۳۹۵).

### ۴.۵.۳ برهم کنشی عادت واره و میدان

طبع و قریحه که در ماهیت کالاهای فرهنگی مصرف شده و در نحوه مصرف آنها (میدان مصرف) عیان می گردد؛ در میان گروه های مختلف عاملان متفاوت است. ذائقه یک میدان بسیار مهم در باز تولید فرهنگی است و همچنین یک ابزار برای مشروعیت قدرت و نیز برای سلطه طبقات بالا بر سایر طبقات (بوردیو، ۱۳۹۵).

### ۵.۵.۳ برهم کنشی اجزای عادت واره

سلیقه، عامل واقعی تبدیل کردن هر چیز به نشانه های تشخیص و تمایز، و تبدیل توزیع های پیوسته به تقابل های گسسته است. سلیقه، کردوکارهای عیناً طبقه بندی شده ای است که شرایط طبقاتی معینی را دلالت می کند و به جلوه نمادین موقعیت طبقاتی، تبدیل می شود. ذوق و سلیقه منبع نظام ویژگی های متمایزی است که هرکس که شناختی عملی درباره روابط میان نشانه ها و موقعیت های متمایز در این توزیع ها دارد، باید آن را به مثابه تجلی سیستماتیک یعنی به مثابه سبک زندگی متمایز، تشخیص دهد.

صاحبان تایید شده آداب مشروع، از قدرت مطلق و خودسرانه ای برای پذیرش یا طرد برخوردار هستند. آداب، بنا به تعریف، فقط برای دیگران وجود دارد؛ و صاحبان تایید شده آداب مشروع و کسانی که قدرت تعریف ارزش آداب و منش ها - لباس، قیافه، تلفظ -

را دارند، از مزیت بی‌اعتنایی به منش خویش برخوردارند (بنابراین آنها هرگز مجبور نیستند به آداب و منش خاصی تظاهر کنند).

در مقابل، «نوکیسه‌هایی که تصور می‌کنند به گروه صاحبان مشروع، یعنی موروثان آداب مشروع، پیوسته‌اند، بی‌آنکه زاده همان شرایط اجتماعی باشند، هرچه کنند باز هم با دو راهی دشوار انتخاب از میان تقلید افراطی بیمارگون و پذیرش نقص و کاستی مواجه می‌شوند (بورديو، ۱۳۹۵: ۱۴۵).

سه نوع طبقه بالا، متوسط و پایین از نظر ذائقه (طبع) با یکدیگر تفاوت دارند. سه نوع ذائقه با توجه به سطوح طبقاتی افراد مشخص می‌شود.

ذائقه ناب یا اصیل، ذائقه کسانی است که محصولات فرهنگی مصرف شده توسط آنان پس از مدتی مطلوب سایر طبقات می‌شود. این نوع ذائقه در بین گروه‌های طبقات برتری که سرمایه فرهنگی زیادی دارند یافت می‌شود.

ذائقه متوسط یا معمولی ذائقه طبقات متوسط یا خرده بورژوا را تشکیل می‌دهد. افراد دارای ذائقه متوسط محصولات از رده خارج شده طبقه بالا را مصرف می‌کنند.

ذائقه عامیانه، ذائقه طبقات پایین و کارگر را تشکیل می‌دهد. ذائقه عامیانه کمترین میزان شباهت را به ذائقه طبقات بالا دارد (بورديو، ۱۳۹۵).

بورديو معتقد است طبقه فرادست - یعنی کنشگرانی که مقادیر زیادی از هر یک از سرمایه‌ها را در اختیار دارند - در تقابل با طبقه فرودست - یعنی کنشگرانی که از همه سرمایه‌ها محرومند - قرار می‌گیرند. «حس تمایز» بورژوازی (طبقات بالا)، در مرتبه‌ای نمادین، تجلی فاصله‌ی بورژوازی از نیازمندی مادی و انحصار دیرینه بر روی کالاهای فرهنگی کمیاب است. مهمتر آنکه ذوق و سلیقه‌ی بورژوا خود را با نفی «سلیقه‌ی جبری» طبقات کارگر تعریف می‌کند. خرده بورژوازی (طبقات متوسط) نیز در برابر قداست فرهنگ بورژوازی سر تعظیم فرود می‌آورد، اما به دلیل تسلط نداشتن بر کدها و رموز این فرهنگ، همیشه درست در لحظه‌ای که در تلاش است تا با تقلید از آنهایی که در ترتیب اقتصادی و فرهنگی در مرتبه بالاتر از او قرار دارند، جایگاه بینابینی خود را پنهان کند، در خطر احتمال فاش شدگی این جایگاه قرار می‌گیرد (واکوانت، ۱۳۷۹).

### ۶.۵.۳ برهم کنشی عادت‌واره و سرمایه

سلیقه به عنوان یکی از اجزای عادت‌واره، همچون نوعی موقعیت یاب اجتماعی عمل می‌کند، نوعی «حس مکانی» که اشغال کنندگان مکان معینی در فضای اجتماعی را به موقعیت‌های اجتماعی سازگار با ویژگی‌های آنان، و به سوی فعالیت‌ها یا کالاهایی هدایت می‌کند که برازنده اشغال کنندگان این موقعیت است.

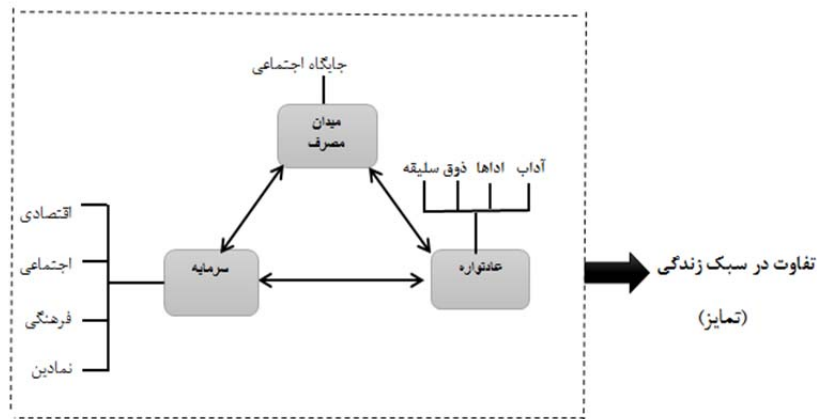
عادت‌واره‌ها که کردوکارها را به صورت عملی هدایت می‌کنند، در خودکارترین اداها با مهم‌ترین فنون بدن-طرز راه رفتن، یا فین کردن، طرز خوردن یا صحبت کردن به چیزی را حکم و تعبیه می‌کنند که شاید بعضی‌ها به اشتباه آن را ارزش‌ها بنامند (بوردیو، ۱۳۹۵). درحالی‌که، این آداب، اداها و سلیقه‌ها خود تحت تأثیر سرمایه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمادین قرار دارند.

### ۷.۵.۳ صورت‌بندی منطقی گزاره‌های تمایز

ترتیب و ربط منطقی گزاره‌های اصلی نظریه تمایز را می‌توان مطابق شرح زیر تدوین نمود:

۱. در جهان اجتماعی میدان‌های گوناگونی وجود دارد.
۲. مهم‌ترین میدان، میدان مصرف است.
۳. در میدان مصرف، سرمایه‌های متفاوتی وجود دارد.
۴. در میدان مصرف، منابع تمایز بخش محدود است.
۵. از مهمترین منابع تمایزبخش سرمایه‌های فرهنگی هستند.
۶. افراد در جستجوی کسب سرمایه‌های فرهنگی هستند.
۷. سرمایه‌های متفاوت، عادت‌واره‌های متفاوت ایجاد می‌کنند.
۸. تفاوت در عادت‌واره، سرمایه و موقعیت در میدان به تفاوت در سبک زندگی (تمایز) می‌انجامد.

بر این اساس روابط میان مفاهیم محتوایی یا سازه‌های نظری در نظریه تمایز را می‌توان مطابق شکل ۱ ترسیم نمود:



شکل ۱. نمودار روابط مفاهیم محتوایی نظریه تمایز

شکل ۱. نمودار روابط مفاهیم محتوایی نظریه تمایز

### ۶.۳ نقد نظریه تمایز بوردیو

اندرو سایر (Andrew Sayer) از مهمترین منتقدان پیر بوردیو است (Silva & Warde 2010: 18). سایر استاد نظریه اجتماعی و اقتصاد سیاسی در گروه جامعه شناسی دانشگاه لنکستر انگلستان است. او دارای کتاب‌هایی همچون زیر میکروسکوپ بردن سرمایه (۱۹۹۸)، روش در علوم اجتماعی (۱۹۹۲)، اقتصاد اجتماعی جدید (۱۹۹۲)، نقد اقتصاد سیاسی رادیکال (۱۹۹۵)، واقعیت و علوم اجتماعی (۲۰۰۰) و بیش از هشتاد مقاله است.

اکثر منتقدان بوردیو، نقد خود را بر مفهوم عادتواره متمرکز ساخته‌اند، آنان عنوان می‌کنند که این اندیشه بسیار جبرگرایانه و نادیده گرفتن انعطاف پذیری فردی و ظرفیت افراد است که می‌توانند رفتارهایی را انجام می‌دهند که لزوماً با روابط یا گفتمان‌های غالبی که در آن قرار دارند، منطبق نیست. در حالیکه می‌توان تا حدی با منتقدان موافق بود، اما ما هنوز هم به چیزی شبیه مفهوم عادتواره نیاز داریم. اگر چه یک نسخه ی اصلاح شده از آن (Sayer 2005).

سایر با وجود آنکه عناصری از نظریه پیر بوردیو را در خصوص عادتواها تصدیق می‌کند، در عین حال برخی از کاستی‌های آن را شناسایی می‌کند. سایر چندین

ضعف در نظرات بورديو می‌بیند، مهمترین آنان توجه ناکافی به جنبه‌های اخلاقی رفتار؛ نادیده گرفتن نقش احساسات در روند استدلال و غفلت از ارتباط بین رفتار و حضور همیشگی اخلاق در نیکی به خود و دیگران است. هیچ کدام از موارد مذکور در مفهوم اصلی عادتواره- با تأکیدی که بر نگرش‌های آموخته شده و توانایی عمل به شیوه‌ای که باعث از بین بردن بازتاب‌ها بشود - حضور ندارد. در نتیجه، با توجه به استدلال اخلاقی، دیدگاه بسیار مثبت تری از عمل انسان وجود دارد. هرچند جامعه‌شناسان زیادی مانند بورديو، تصور می‌کنند علل عمل افراد، انجام آن به صورت اتوماتیک یا بر اساس منافع شخصی است. سایر استدلال می‌کند بورديو زندگی اجتماعی را تا حد پیروی از قدرت و منافع تقلیل می‌دهد؛ هر چند او عمیقاً ارزش کنش‌های اجتماعی را به رسمیت می‌شناسد: ارزش افراد، عملکردها و سوژه‌ها؛ اما در عمل کنشگران بورديو تنها متعلقات بیرونی را دنبال می‌کنند و متعلقات درونی منطقی دارند که به صورت کامل اجتماعی نیست، علاوه بر این بورديو برای عوامل زیستی یا روانشناسی که عادت‌ها را شکل می‌دهند، امتیازی قائل نیست. جالب توجه اینکه برخلاف نظریه پردازی‌های علمی او، نوشته‌های سیاسی وی به شدت به اهمیت انسانیت می‌پردازد (Silva & Warde 2010: 18-20).

استفاده بورديو از مفهوم سرمایه، به خصوص اینکه سرمایه فرهنگی، اجتماعی و نمادین، مانند سرمایه اقتصادی برای فهم تمایز، نابرابری و میدان اجتماعی مهم هستند، یک اندیشه درخشان است. اما مشکلاتی نیز در دیدگاه مبتنی بر ذائقه و عادتواره از نابرابری، وجود دارد (Sayer 2002: 13). که می‌توان آنها را به صورت زیر لیست کرد:

۱. اولاً وقتی که اقتصاددانان نئوکلاسیک سعی می‌کنند تا به تبیین رفتار پردازند، به عادتواره‌ی بورديو متوسل می‌شوند؛ زیرا در هیچ کدام، انتخاب‌ها و قضاوت‌های اخلاقی (moral choices) جایگاهی ندارد.

۲. ثانیاً بورديو قضاوت‌های اخلاقی کنشگران را - با نادیده گرفتن آنها و یا کم‌اهمیت دانستن آنها و وابسته دانستن قضاوت‌ها به موقعیت قرار گرفتن در میدان اجتماعی - تقلیل می‌دهد.

۳. نظریه بورديو به طور ضمنی، با اولویت دادن به منافع به عنوان مبنایی برای مبارزات اجتماعی، تفسیر رفتار افراد بر اساس سوء ظن نسبت به آنها است، نه درک احساسات افراد و هم‌دلی با آنان.

۴. به علاوه، مصاحبه‌های انجام شده توسط بورديو، می‌تواند به نحو دیگری تفسیر شود. این مصاحبه‌ها تصاویر قدرتمندی از قضاوت‌های اخلاقی و عینی کنش‌گران به کنش‌های اجتماعی گوناگون است (سایر، ۲۰۰۲: ۱۴ و ۱۳). بورديو در داده‌های تجربی خود، گرایش به تقلیل کنش‌گران - قلمداد کردن قضاوت‌های ذوقی به کارکردهای عادت‌واره افراد در روابطشان در میدان اجتماعی و استراتژی‌های ناخودآگاه تمایز - دارد (سایر، ۱۹۹۹). در صورتیکه، برخی از تأثیرات اجتماعی ما را زیر سیطره‌ی خود می‌گیرند و بدون آنکه ما حتی متوجه آنها بشویم، واکنش‌هایمان را شکل می‌دهند؛ در حالیکه دیگران به شیوه‌ای آگاهانه‌تر متوسل می‌شوند (سایر، ۲۰۱۰). بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها جهان را از طریق ارزیابی اخلاقی زندگی خود و دیگران، به طور مستمر ایجاد می‌کنند. گزارشات صرفاً در مورد فقدان سرمایه‌ای از یک نوع یا نوع دیگری نیست، بلکه در مورد عدم تناسب غیرقابل تصور بین موقعیت و ارزشها است. مصاحبه‌ها تنها در مورد عدم دستیابی به پول و موقعیت نیستند، بلکه در مورد ناامیدی به علت عدم موفقیت در رسیدن به آرمان‌ها و انجام تعهدات - یعنی مواردی که دارای ارزش خودبه‌خودی و بی‌ارتباط به منافع حاصل از آنها است - هستند (سایر، ۲۰۰۲: ۱۴).

۵. اهداف انتقادی بورديو، موجب تقلیل جامعه‌شناختی کارهای او شده است (سایر، ۱۹۹۹). کار بورديو به عنوان هرمنوتیکی از سوء ظن در حال تبدیل شدن به یک کار سیاسی است. نه بیشتر و نه کمتر (سایر، ۲۰۰۲: ۱۴).

#### ۴. نتیجه‌گیری

نظریات جامعه‌شناسی پس از سال‌ها توصیف، تبیین و پیش‌بینی امور اجتماعی، در دهه‌های اخیر مورد ارزیابی و نقد توسط خود جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان قرار گرفته است؛ بدین طریق نیاز به فرانظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی، در شرایطی که ابهامات زیادی در زمینه نظریه‌پردازی وجود دارد، اقدامی سودمند است که می‌تواند همچون یک رویکرد یا یک روش برای فهم و نیز نقد نظریه‌مورد استفاده قرار گیرد. بدین منظور در تحلیل فرانظری تمایز علاوه بر بررسی زمینه‌های اجتماعی و فکری بورديو، بر تحلیل چهار لایه ساخت نظریه تمایز شامل مفروضات اساسی، سازه‌های نظری، روابط منطقی گزاره‌ها و قدرت تبیین و پیش‌بینی نظریه تاکید گردید و در نهایت با تکیه بر آرای یکی از

منتقدین کلیدی و از همترازان بوردیو (اندرو سایر)، نظریه تمایز بویژه در دو محور مفروضات اساسی و مفاهیم محتوایی مورد نقد قرار گرفت.

نتایج تحلیل فرانظری تمایز نشان داد جهان اجتماعی بوردیو مملو از توزیع ناخوشایند موقعیت و منابع است و این امر وی را به سمت نظریه تمایز سوق داد. تأثیرات متضاد تفکرات وجود گرایی و ساختارگرایی و کنشگری مارکسیستی، نیز علاقه به نظریه‌ای تلفیقی را در وی به وجود آورد. وی ساختارگرایی سازه‌ای (constructive structuralism) را راهی برای آشتی عاملیت و ساختار می‌یابد و بر آن است تا هیچ یک از دو عامل عاملیت و ساختار را تعیین کننده تر و دارای وزن بیشتر در نظر نگیرد. وی عاملیت افراد را به گونه‌ای در نظر می‌گیرد که هم بر ذهن و هم بر ساختار اثر بگذارد. بوردیو به لحاظ هستی‌شناسی جامعه را فضایی اجتماعی می‌داند که از مجموعه به هم پیوسته‌ای از میدان‌ها (ساختارها)، سرمایه‌ها و عادتواره‌ها می‌داند. کنشگران طبق عادتواره‌های خود در قالب قواعد حاکم بر میدان‌های گوناگون، در صدد دستیابی به انواع سرمایه با هم به تعامل و یا رقابت می‌پردازند. وی با وجود نقشی که برای عاملیت انسانی، و تفاوتی که برای عادتواره‌های افراد مختلف قائل می‌شود، اما معتقد است افرادی که از موقعیت‌ها و جایگاه‌های مشابهی برخوردارند از نظر افکار و اندیشه نیز دارای مشابهت‌هایی با یکدیگر می‌باشند. به لحاظ روش شناختی نیز وی قائل به روش تلفیقی و منظورکردن هم‌زمان ذهن/عین؛ عاملیت/ساختار و خرد/کلان است.

عادتواره، میدان و سرمایه سه مفهوم اساسی در نظریه تمایز بوردیو هستند که با یکدیگر رابطه متقابل دارند و برهم کنش آنها، سبب تفاوت در سبک‌های زندگی (تمایز) می‌گردد. می‌توان گفت تفاوت در عادتواره، سرمایه و موقعیت در در میدان به تفاوت و تمایز سبک‌های زندگی می‌انجامد. آنچنانکه اندرو سایر می‌گوید توجه ناکافی بوردیو به جنبه‌های اخلاقی کنش، نادیده گرفتن نقش احساسات در روند استدلال و اولویت دادن به منافع به عنوان مبنایی برای رقابت اجتماعی، تأثیرات پررنگ ساختار و کم‌رنگ دیدن عاملیت انسانی و روحیات و اخلاقیات متفاوت انسانها بر شکل‌گیری تمایز، از مهم‌ترین نقدهای وارده بر نظریه تمایز است. ضمن اینکه با مرور مصاحبه‌هایی که مبنای نظریه پردازی تمایز قرار گرفته‌اند، می‌توان تفاسیر متفاوتی نیز از تمایز ارائه داد که با شکل‌گیری تمایز طبق نظریه بوردیو، متفاوت است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. کتاب تمایز یکی از اصلی‌ترین و معروفترین آثار بوردیو است که بر اساس نتایج دو پیمایش اجتماعی در شهر پاریس در فاصله سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۸، نگاشته شده است. این اثر در سال ۱۹۷۹ به زبان فرانسه چاپ شده است و در سال ۱۹۸۴ به زبان انگلیسی ترجمه شده است. بوردیو در این کتاب درصدد برآمده با ارائه مدلی از روابط میان شرایط اقتصادی-اجتماعی و سبک‌های زندگی ارائه دهد که نه تنها برای جامعه فرانسه بلکه برای همه جوامع، دارای اعتبار باشد. این کتاب توسط حسن چاوشیان از نسخه انگلیسی به فارسی ترجمه و توسط نشر ثالث در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است. کتاب مذکور مشتمل بر سه بخش است: «نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی»، «اقتصاد عمل»، و «سلیقه‌های طبقاتی و سبک‌های زندگی». بوردیو در بخش نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی به اشراف سالاری فرهنگ؛ القاب و عناوین اشرافیت فرهنگی و پیشینه فرهنگی می‌پردازد. وی در بخش اقتصاد عمل به فضای اجتماعی و دگرگونی‌های آن، شرایط طبقاتی و شرطی شدن اجتماعی، عادتواره و فضای سبک‌های زندگی و جهان‌های سبک‌های ممکن به بحث می‌پردازد. بوردیو در بخش سلیقه‌های طبقاتی، هم‌گونی بین فضاها و سبک‌های زندگی، پویایی میدان‌ها، تناظر میان تولید کالا و سلیقه‌ها و مبارزه‌های (خشونت‌های) نمادین اشاره می‌کند. در بخش سوم از حس تشخیص، شیوه‌های تصاحب آثار هنری و شکل‌های گوناگون سلیقه غالب، همچنین فرهنگ دوستی، انتخاب اجباری و نتایج سلطه، فرهنگ و سیاست بحث می‌کند. همچنین به طبقه‌ها و طبقه‌بندی‌ها پرداخته و در ارتباط با بازنمودهای واقعیت سخن می‌گوید. در پیوست این کتاب نیز به مباحث روشی و داده‌های آماری و... پرداخته می‌شود.

۲. شامپاین (۱۳۹۱) عادتواره را یکی از ارکان اصلی سرمایه فرهنگی در نظر می‌گیرد، اما خود بوردیو چنین صراحتی ندارد و عادتواره را نیز مانند میدان، در برهم‌کنشی با سرمایه در نظر می‌گیرد.

## کتاب‌نامه

شامپاین، پاتریک (۱۳۹۱)، پیر بوردیو، ترجمه مؤید حکمت، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بوردیو، پیر (۱۳۸۰)، نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیها، چاپ اول، تهران: نقش و نگار.



## تحلیل انتقادی نظریه تمایز بوردیو ... (طاهره لطفی خاچکی و علی یوسفی) ۳۷۹

- بوردیو، پیر (۱۳۹۵)، *تمایز (نقد اجتماعی قضاوت های ذوقی)*، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ چهارم، تهران: ثالث.
- ترنر، جاناتان اچ (۱۳۷۲)، *ساخت نظریه جامعه شناختی*، ترجمه عبدالعلی لهستانی زاده، چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.
- ترنر، جاناتان اچ (۱۳۹۴)، *نظریه های نوین جامعه شناختی*، ترجمه علی اصغر مقدس و مریم سروش، چاپ اول، تهران: جامعه شناسان.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۳)، *تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه شناسی*، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- دوریه، ژان فرانسوا (۱۳۸۱)، «پیر بوردیو انسان شناس، جامعه شناس (یادی از بوردیو)»، ترجمه مرتضی کتبی، *نامه انسان شناسی*، شماره ۱.
- ریتزر، جورج و گودمن، داگلاس جی (۱۳۹۰)، *نظریه جامعه شناسی مدرن*، ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، چاپ اول، تهران: جامعه شناسان.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۸)، *مفاهیم کلیدی پیر بوردیو*، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: افکار.
- موید حکمت، ناهید (۱۳۹۵)، «سرمایه فرهنگی: درآمدی بر رویکرد نظری و روش شناسی پیر بوردیو»، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- واکووانت، لوئیک «پیر بوردیو» در استونز، راب (۱۳۷۹)، *متفکران بزرگ جامعه شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

- Boschetti, A. (2006), "Bourdieu's work on literature: contexts, stakes and perspectives", *Theory, Culture & Society*.
- Bourdieu, P., & Zanotti-Karp, A. (1968), *Structuralism and theory of sociological knowledge*, Social Research.
- Bourdieu, P., Schultheis, F. and Pfeuffer, A. (2011), *With Weber against Weber: In Conversation with Pierre Bourdieu*. In: Susen, S. and Turner, B. S. (Eds.), *The Legacy of Pierre Bourdieu: Critical Essays*, London: UK: Anthem Press.
- Edwards, M. G. (2013), "Misunderstanding metatheorizing", *Systems Research and Behavioral Science*.
- Holt, D. B. (1997), *Distinction in America? Recovering Bourdieu's theory of tastes from its critics*. Poetics.
- Holt, D. B. (1998), "Does cultural capital structure American consumption?", *Journal of consumer research*.
- Lamont, M. (2012). "How has Bourdieu been good to think with?" The case of the United States. In *Sociological Forum*, Oxford, UK: Blackwell Publishing Ltd.

- McAdam, M., Harrison, R. T., & Leitch, C. M. (2019). "Stories from the field: Women's networking as gender capital in entrepreneurial ecosystems", *Small Business Economics*.
- Ollion, E. (2012), *Pierre Bourdieu*, Oxford University Press, Last Reviews: 18 July 2014, Last Modified: 21 November 2012.
- Ozbilgin, M., Tatli, A., & Nord, W. R. (2005), "Book review essay: Understanding Bourdieu's contribution to organization and management studies", *Academy of Management Review*.
- Paterson, B. L., Thorne, S. E., Canam, C., & Jillings, C. (2011), "Meta-Theory", *Meta-study of Qualitative Health Research*.
- Quaye, J. (2014), "Exploring academic achievement in mathematics and attitudes towards mathematics: The role of Bourdieu's elusive habitus", *Proceedings of the British Society for Research into Learning Mathematics*.
- Sayer, A. (1999). "Bourdieu, Smith and disinterested judgement", *The Sociological Review*.
- Sayer, A. (2002), "What are you worth?: why class is an embarrassing subject", *Sociological research online*.
- Sayer, A. (2005). *The moral significance of class*. Cambridge University Press.
- Sayer, A. (2010). *Bourdieu, ethics and practice*. In Cultural analysis and Bourdieu's legacy, Routledge.
- Silva, E., & Warde, A. (2010). Introduction: the importance of Bourdieu In: Silva, Elizabeth and Warde, Alan eds. *Cultural analysis and Bourdieu's legacy : settling accounts and developing alternatives*. Culture, Economy and the Social. London: Routledge
- Susen, S., & Turner, B. S. (Eds.). (2011), *The legacy of Pierre Bourdieu: critical essays*, Anthem Press.
- Turner, J. H. (1990), "The misuse and use of metatheory" In *Sociological Forum* .
- Wallace, W. L. (1992). Metatheory, Conceptual Standardization and the Future of Sociology. In: Ritzer, George. (ed). *Metatheorizing*. Sage Publications
- Weinstein, D. & M. Weinstein. (1992), The Postmodern Discourse of Metatheory. in: Ritzer, George. (ed). *Metatheorizing*. Sage Publications